

دنیای شگفتی است. مردم را شقه شقه می کنند اما حامیان مردم هشدار می دهند که مبادا مردم را به شورش و انقلاب فراخوانید زیرا آنها هنوز آماده قیام و انقلاب نیستند. دانش جویان را از پشت میز دانش گاهها به سیاه چاله های شکنجه گران روانه می کنند تا بدنها و روانهاشان را در زیر وحشیانه ترین، ضدانسانی ترین و خشن ترین شکنجه های که بشر تا کنون موفق به اختراع و اعمال آن بر مردم از پیر و برنا شده، بکوبند و تکه تکه کنند، ولی روشنفکران بورژوازی که هنوز در خوابهای خوش خیالی خود، رؤیای هدایت و رهبری خلق را زیر دندانهای سختشان مزمزه میکنند، هشدار می دهند که، مردم برنخیزید زیرا حزبتان هنوز با قامت مقدس خود در پیش چشمهاتان نکرده ظهور، و بی حزب، هر ره که می روید، ره‌ی به ترکستان است. دختران را به شیوه عهد عتیق به حرمسراها می فروشند، زنان را به جرم زن بودن، تهدیدست بودن و یا فقط " بودن"، با اجازه ملکوتی شرع شهوت پرست فاحشه ساز ولایت فقیه، به صیغه صدم و پانصدم در می آورند، اما خوش نشینان حریم دموکراسی غرب فریاد بر میآورند که، مردم برنخیزید، حزب و سازمان پیشرو شما هنوز آماده نیست. چند صبحی دیگر - یعنی چند دهه دیگر یا چند نسل دیگر - می بایدتان که ظلم این شحنه ها را تاب آورید، ولی بدانید وقتی که ما - حامیانتان (!!) - پا به میدان گذاریم، همه تان را از کودک و بزرگ، از پیر و جوان، با انقلابی که شما به رهبری ما (!!!) می کنید، به بهشت جاودان، منتقل می کنیم. مردم را کرور کرور روانه خرابه ها و حلبی آبادها، روانه زاغه های بی درو پیکر و بی آب و نان می کنند و آنچه آدمی بر حیوان هم روا نمی دارد این وحشیان ولایت و قیح و کثیف فقیه بر مردم روا می دارند، ولی روشنفکران خوش خور و خواب دموکراسی بورژوازی، این قیمه های انقلاب پرولتری و حامیان دیکتاتوری کار بر سرمایه فریاد بر می آورند، مردم بنشینید که وقت خشم و خروش سر نرسیده هنوز، که تا قیام و انقلاب شما و هدایت داهیانۀ ما (!!!) در این میان، چند صبحی میبایدتان که آرام و رام، تاب آورید گرسنگی و خفه گی، و نبود آب و نان را در جنگل ددان.

دنیای شگفتی است. نان را به خون آغشته می کنند در بهشت حامیان الله و کارگزاران سرمایه و سود، و فقر و رنج و خوف را با عادلانه تر شیوه ای میان مردمان بخش می کنند، اما پرگوییان و چاره ندانان گردن فراز فریاد می کنند، وای بر شما ای مردمان اگر دم برآید از این همه، که آفتابان بر نیامده هنوز، که مژده رزم و رهایی و رویش نوین، ز روز اذل به ناف ما (!!) حامیان خلق و ملت و جهان، نام گذاری نموده تاریخ بخشاینده مهربان. صبر اگر کنید صبحی دگر، ما و هر که با ما به زیر پرچم سکوت، بنشینند و رشد آگاهی نداشتۀ شما را نظاره کند، قسم به هر چه داس و چکش جهان، به فاصله چند نسل با ما و شما، جهان و هر چه در آن است، شادمانی و رهایی و سرور را تجربه می کند.

دنیای شگفتی است. حکومت اسلحه را بر مردم استوار می کنند، ولی نازکدلان هوشیار بورژوا، و آگاهان به قانون و منطق تاریخ و جهان فریاد می کنند، ای مردمان، خون شما را اگر به شیشه می کنند این نا آدمان، تقصیر شما نیست، زیرا که تاریخ و قانون آن مسخر شما نیست. دوران، دوران سروری ز الوهاست. وقت شما سر نرسیده هنوز، که دست اگر به اسلحه برید، بر شما همان خواهد رفت که بر پیشینیان. شما را همان به که بنشینید و بسوزید و تحمل کنید. ما حامیان شما و رهبران و راهنمایان آینده شاد و تابان مردمان، خوب می دانیم که وقت اسلحه و شورش و نبرد سر نرسیده هنوز، که علم وقت شناسی و دانش قیام و قانون برخاستن و رفتن را به ناف ما نشانده تاریخ بخشاینده مهربان.

دستهای مردمان را بسته، سنگها را رها و سگها را به کوی و برزن روانه نموده اند تا هر تنابنده ای که بیابند، بکوبند و بدرند، و هر جوانی که شهامت نفس کشیدن و چهره نمودن کند، دست بسته و پیش حیرت ناباور مردمان، به مشت و لگد و چوب و قداره، بکوبند و تکه تکه کنند، اما این خوش نشینان حریم پر سور و صفای دموکراسی تحمیلی غرب فریاد

بر می آورند، آی با شمائیم مردمان، چه میشود اگر از شما، نسلها فدا شوند به تیر ناکسان؟ این است جزای آنکو بی
حزب و سازمان و برنامه شهامت سر برکردن و شورش نمودن کند بی حضور ما. باشد تا با شما همان رود که بر
پیشینیانتان برفت، بی حضور قیم و راهبران.
دنیای شگفتی است. وای بر مردمی با چنین حامیانی خوش خیال و وای بر گرسنه گانی که این قیّمان، راهبرانش شوند.